سرور مکرّم جناب سمندر علیه بهآء اللّه الأبهی الأبهی بلحاظ انور ملاحظه فرمایند

هو اللّه تعالی شأنه العظمة و الکبریآء

یا حبیب فؤادی و المذکور فی قلبی یک آب از سحاب رحمت ربّ الأرباب نازل و جاری و در هر محلّی حکمی از آن ظاهر در بحر قلوب اولی الألباب لآلی عرفان محبوب امکان موجود شد و در قلوب جرزه و اراضی کدره غیر آن سبحان‌اللّه این خادم فانی مشاهده مینماید که در ایّام اللّه هر شیء از اشیاء میزان بوده و خواهد بود کلمهٴ مبارکه که از مشرق فم رحمانیّه ظاهر میزان اللّه بوده و کل بآن سنجیده شده و همچنین اعمال و افعال ظاهره که از مصدر امر مشاهده شد اگر انسان بعین بصیرت ملاحظه کند در هر یومی بل در هر آنی میزان حقّ و حجّت حقّ و قدرت حقّ و اقتدار حقّ همه را ملاحظه نماید و در ما یظهر من الحقّ متحیّر ماند عجب است از عیونیکه انوار شمس را مشاهده مینمایند و ملتفت نیستند بحر اعظم امام وجوه ظاهر و مشهود ولکن از آن بی‌بهره شده‌اند و لب‌تشنه مانده‌اند قد اشتعلت النّار و هم لا یبصرون قد نطقت السّدرة و هم لا یسمعون قد ارتفعت الصّیحة و هم راقدون قد انار افق الأمر و هم لا یتوجّهون قد قام القیّوم و هم لا یشعرون قد تغرّد فم البیان عند کلّ اذن و ینطق انّی انا ربّکم الأبهی ولکنّ الکلّ عنه غافلون الّا من شآء اللّه ربّنا المهیمن القیّوم قد منعتهم اهوائهم عن فضل اللّه و جوده و رحمة اللّه و عنایته و الخادم یعبّر الأهوآء بالعلمآء الّذین ضلّوا و اضلّوا و فسدوا و افسدوا فی امر اللّه ربّ العالمین سبحان‌اللّه آنی در مظلومیّت انبیا روح ما سواهم فداهم تفکّر ننموده و نمینمایند که سبب و علّت اعراض و اعتراض و سبّ و انکار قوم بآن انوار مقدّسه چه بوده یقتلون الحسین و یرثون علیه یکفرون باللّه و یدخلون المعابد باسمه لعمرک یا ایّها المشتعل بنار محبّة اللّه قد تحیّرت و تحیّرت الأشیآء عمّا ارتکبوا هؤلآء فی ایّام اللّه مولی الأسمآء و مالک الآخرة و الأولی مثل این خادم فانی مثل حوتیست که در بحر محبّت اصفیای حقّ غوطه میخورد و هل من مزید میگوید چه که هر وقت و آن که اراده شد خدمت آنمحبوب عریضه ارسال دارم و باختصار کوشم میسّر نشد چه که لسان حبّ در گوش قلم ان اسرع ان اسرع القا مینمود و ایّاک ان تتوقّف میگفت بلی جذب محبّت را این تأثیر و تأثیراتیکه بقلم درنیاید بوده و خواهد بود اسأله تعالی فی کلّ صباح و مسآء بل فی کلّ یوم و فی کلّ ساعة و فی کلّ دقیقة بأن یوفّق حضرتک علی ذکره و ثنائه و خدمة امره بین عباده بالحکمة بالحکمة و یسقیک ما یجری به من لسانک ما تنجذب به افئدة دونک انّه لهو المقتدر علی ما یشآء انّه لهو العزیز الحکیم یا حبیبی آیا این گفتنها و نوشتنها و بیانها و نداها علی ما ینبغی ظاهر نشده و یا آنکه اذن عالم نظر باوهامات خود از آن محروم مانده لا واللّه آذان لایق اصغا نبوده و نیست گوشیکه باستماع اذکار نالایقه مشغول البتّه از اصغاء بیانیکه للّه ظاهر شود محروم ماند بکمال عجز و ابتهال از غنیّ متعال آمل و سائل که نائمین را منتبه سازد و باقی‌ماندگان در قبور را برانگیزاند و بذکر و ثنایش ناطق فرماید انّه لهو المقتدر القدیر

 بعد از اطّلاع بر دستخطّ عالی نمرهٴ ١٠ که بجناب اسم جود علیه بهآء اللّه الأبهی ارسال داشته بودید بمقصد اقصی توجّه نموده تلقاء وجه عرض شد فرمودند الحمد للّه موفّق بوده و هستند از اوّل امر تا حال بثنای مظلوم آفاق ناطق بوده‌اند و بخدمتش قائم نفحات حبّش در مرور و مراتب خلوصش مشهود انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال بطراز عنایت مخصوصه مزیّن باشند قد شهد القلم الأعلی باقباله و توجّهه و حضوره و اصغائه و ذکره و ثنائه انّه لا یعزب عن علمه من شیء انّه لهو الحکیم الخبیر انّا نکبّر علیه و علی اخیه و الّذین فازوا بعرفان اللّه ربّ العالمین

 یا محمّد قبل علی قد سمعت ندائی اذ کنت حاضراً فی سجنی العظیم شهدت و رأیت ما منع عنه اکثر العباد انّ ربّک لهو المحصی العلیم البهآء علیکم و علی اهلکم و الّذین معکم من لدن فضّال قدیم

 انّا نذکر الجواد الّذی وجدنا منه عرف الاستقامة فی هذا الأمر الّذی زلّت به الأقدام لیفرح بذکری و ینطق بثنائی بین العباد یا جواد یذکرک مالک الایجاد فی هذا الحین الّذی یمشی و ینطق انّه لا اله الّا هو العزیز الوهّاب کن قائماً راقباً ناطقاً ذاکراً فی العشیّ و الاشراق یا جواد لعمر اللّه اگر ناس بر بحر رحمت الهی و طمطام شفقت سلطان لایزالی مطّلع شوند به ما ینبغی الیوم قیام نمایند و به ما یلیق الیوم ناطق شوند لعمری اگر اقلّ از شعر بفیوضات سحاب الطاف الهی مطّلع شوند قصد منظر اکبر نمایند و طائف حولش گردند از ارادهٴ حقّ و ما هو المستور فی کنز کرمه و علمه آگاه نبوده و نیستند انشآءاللّه آگاهی اصفیای الهی کل را از غفلت نجاة دهد و آگاه نماید سبحانه و تعالی عمّا یصفون و عمّا یقولون و یعرفون

 یا احمد ان افرح ببشارتی انّها انّک مذکور فی ساحتی مقرّ عرشی امآء اللّه که از کوثر حیوان آشامیده‌اند و در آن بیت ساکنند از قبل حقّ تکبیر برسان و بگو ایّام سرور حزن جایز نه الحمد للّه بحبل محبّت الهی متمسّکید و بذیل کرمش متشبّث مالکید آنچه را که الیوم بآن آگاه نیستید لعمری لو یکشف ما قدّر لکنّ فی ملکوت اللّه ربّکنّ لیأخذکنّ سرور تعجز عن وصفه الأقلام امروز هر نفسی آنچه را بخواهد مالک میشود در ظاهر ملاحظه کنید چه بسیار از نفوس که مساجد بنا نمودند و کنائس تعمیر کردند و پلها ساختند از برای آنکه ذکر خیر ایشان در ارض بماند و باقی باشد و عنداللّه بمکافات آن فائز شوند و همچنین نفوسیکه بصدهزار آمال و رجا و طلب و ابتهال از غنیّ متعال اولاد خواستند تا اثری از ایشان در ارض باقی بماند و حال آنکه نمیدانند آن اثر صالح باشد یا دون آن ولکن در این ایّام اگر نفسی بعرفان حقّ فائز شود و بثنایش ناطق گردد و بخدمتش موفّق شود ذکرش و ثنایش بدوام ملک و ملکوت باقی خواهد ماند طوبی از برای نفسیکه ذکرش و ثنایش از قلم اعلی جاری شد آن ذکر را محو اخذ ننماید و کرور اعصار و قرون او را کهنه نکند لایزال تازه و خرّم در ریاض بیان حقّ بوده و خواهد بود دوستان آن ارض را از رحیق تکبیر بنوشان لیجمعهم التّکبیر علی ذکر واحد و امر واحد و کلمة واحدة کذلک نطق لسان المظلوم فی سجنه العظیم انتهی

 عرض این فانی آنکه آنچه آنمحبوب ارسال داشته‌اند رسید از جمله پاکت حضرت جمال علیه بهآء اللّه و پاکتهای دیگر و همچنین عرایض انشآءاللّه جواب کل میرسد و اگر تعویق رفته و یا برود آنمحبوب میدانند که از هر سمتی مکاتیب و عرایض میرسد و جمیع را باید این فانی جواب معروض دارد شغل بسیار و فرصت کم از حقّ میطلبم تأیید فرماید تا این خادم فانی از عهده برآید

 عریضهٴ جناب همّت علی خ‌ا در ساحت اقدس عرض شد هذا ما انزله الرّحمن فی جوابه

هو المبیّن العلیم

یا همّت انشآءاللّه بعنایت محبوب عالم بر این امر اعظم مستقیم باشی و در کلّ احیان از کوثر عرفان حضرت رحمن بیاشامی ای همّت امر بزرگست چنانچه در اکثر کتب سماوی عظمت آن مذکور و مسطور است باید دوستان الهی بر کلمهٴ مبارکهٴ واحده جمع شوند و بذکر و ثنایش مشغول مکتوبت رسید و لدی العرش معروض افتاد و نفحات محبّت از آن استشمام شد و اینکه ارادهٴ حضور نمودی در این ایّام نظر بضوضای انام جایز نه انّه یکتب لمن اراد اجر من توجّه الیه و فاز ببحر لقائه انّ ربّک لهو الکریم ونفسی المهیمنة علی العالمین انتهی

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا میرزا محمّد درباغی علیه بهآء اللّه مرقوم داشتید عریضهٴ ایشان بتمامه تلقاء عرش معروض گشت فلمّا انتهت نطق لسان العظمة بما تعجز عن ذکره اقلام العالم و السن الأمم و بعد ملکوت علم الهی باین بیان ناطق

هو المقتدر علی ما یشآء

یا محمّد قد توجّهت الی وجهی من مقامک و توجّه المظلوم الیک من هذا المنظر الکریم قدر اینکلمهٴ مبارکه را بدان قسم بآفتاب معانی که مثل و شبهی از برای او در ابداع نبوده و نخواهد بود و جواهر ثمینهٴ ارض باو برابری ننماید و معادله نکند عریضه‌ات نزد مظلوم تلاوت شد طوبی لک بما تضوّع منک عرف محبّة اللّه و اقبلت الیه بعد اعراض من علی الأرض الّا من شآء اللّه ربّک العزیز العلیم طوبی للسان نطق بذکری و لقلب فاز بحبّی و لبصر توجّه الی افقی و لقلم تشرّف بتحریر آیاتی و لرجل قام علی صراطی المستقیم یا احبّائی فیهناک تمسّکوا بحبل محبّتی و تشبّثوا بذیل ولایتی الّتی احاطت العالمین خذوا اقداح العرفان باسمی ثمّ اشربوا منها کذلک یأمرکم مالک الأسمآء اذ کان فی سجنه المتین یا محمّد کبّر من قبلی علی وجوه الّذین اقبلوا الی الفرد الخبیر و همچنین امآء اللّه را تکبیر برسانید کنیزان حقّ که بکعبهٴ وجود اقبال نموده‌اند و بخدمت فائز گشته‌اند لدی العرش مذکور بوده و خواهند بود البهآء علیک و علی اهلک من لدی اللّه العلیم الحکیم ثمّ اعلم یا محمّد انّ ربّک یحبّ احبّائه و حضورهم لدی عرشه ولکنّ الغافلین حالوا بینه و بینهم کذلک قضی الأمر و الأمر بید اللّه العزیز العظیم و یکتب لمن اراد اجر لقائه انّ ربّک لهو المقتدر القدیر قد غفر اللّه اباک و امّک ان افرح بفضل ربّک و کن من الشّاکرین انتهی استدعا آنکه از جانب این خادم فانی خدمت ایشان تکبیر منیع برسانید از حقّ میطلبم که ایشانرا همیشهٴ ایّام بر ذکر و ثنا و خدمتش مؤیّد فرماید انّه لهو المؤیّد الکریم

 و همچنین عریضهٴ جناب مشهدی علی اکبر بتمامه تلقاء عرش عرض شد هذا ما انزله المحبوب فی جوابه

بسمی العزیز العظیم

کتاب انزله الوهّاب لمن اعترف باللّه ربّ الأرباب یا علی قبل اکبر انّا سمعنا ندائک و حضر لدی العرش ما عرضته و اجبناک بما تنجذب به افئدة العباد انّک فزت بآیاتی الّتی ارسلناها لک من قبل و هذه مرّة اخری فضلاً من لدن ربّک المختار لا تحزن من البعد و الفراق قد کتب اللّه لک اجر لقائه اذ فزت بما هو المسطور فی الکتاب انّا نوصیک بالاستقامة الکبری فیهذا الأمر الّذی له خضعت الرّقاب بسیار سعی باید تا رایحهٴ اتّحاد مابین عباد مرور نماید کمر همّت را محکم کن که شاید در ایّام ظهور از تو خدمتی ظاهر شود و سبب و علّت الفت و اتّحاد شوی ای علی قبل اکبر امروز را ناظر باش که شبه و مثل نداشته و نخواهد داشت عمل احباب در این روز مبارک از سلطان اعمال محسوبست انشآءاللّه از نفحات ایّام الهی و فیوضات بحر رحمانی قسمت برید انّه لهو المعطی الکریم انتهی

جناب هبة‌اللّه قوله عزّ جلاله

هو الأقدس

قد قرئ ما عرضته فی کتابک انّه یجیبک بهذا الذّکر المبین انّا نذکر الّذین فازوا بذکر اللّه و نجیب من یدعوه انّه لهو العزیز الحمید ان احمد اللّه بما ذکرت لدی الوجه و نزّل لک ما تنشرح به صدور المقبلین انتهی

جناب عبدالباقی و عبدالحسین و عبدالعلی قوله جلّ جلاله

هو النّاطق العلیم

نیکوست حال نفوسیکه در ایّام رحمن از کوثر عرفان آشامیدند و بنفحات قمیصش فائز گشتند اگر جمیع من علی الأرض عارف شوند بآنچه الیوم از او محجوبند کل بافق اعلی توجّه نمایند و باسم ابهی تشبّث جویند یا باقی آنچه معروض داشتی باصغای محبوب عالم فائز شد و از لسان مالک قدم باینکلمات مشرقات مذکور آمدی قدر این نعمت را بدان لعمر اللّه لیس لها شبه فی الابداع تا وقت باقی و نَفَسْ باقی بذکر دوست مشغول باش و باوامرش متمسّک انشآءاللّه همیشه مؤیّد باشی برضای دوست و ناظر باشی بشطر دوست و قائم باشی بخدمت دوست جمیع اهل آن ارض را وصیّت مینمائیم بمودّت و اتّحاد تا جمیع بر شریعهٴ الهی جمع شوند و بکلمهٴ مبارکه ناطق گردند چه اگر ناظر باینمقام بلند اعلی نباشند تأخذهم الحسرة وربّ العالمین

 یا عبدالحسین اسمت نیکوست و ذکرت مرغوب چه که اسم و ذکرت هر دو بساحت اقدس فائز شد قلم اعلی در کلّ احیان دوستان خود را ذکر مینماید و جمیع را بآنچه سبب عزّت و ارتفاع و بقاست امر میفرماید طوبی لنفس عملت و فازت بما اراد ربّها العلیم الحکیم ندایت را شنیدیم و جواب عنایت نمودیم انشآءاللّه از نفحات بیان رحمن بر امر مستقیم باشی و به ما اراد المقصود عامل

 یا عبدالعلی امروز روزیست بزرگ و مبارک جمیع من علی الأرض در ظلّ عنایت حقّ ساکن و رحمت الهیّه کل را احاطه نموده اعراض و اعتراض و جدال و خونریزی و فساد و آنچه سبب ضرّ اهل عالمست جمیع را نهی نمودیم تا کل از فضل الهی مسرور باشند و ببحر اعظم متوجّه ولکن اهل فساد در مرایای امکان عکس خود را مشاهده مینمایند و جمیع را مثل خود می‌پندارند فباطل ما هم یقولون و یعملون و یتوهّمون انشآءاللّه در این ربیع الهی بطراز عرفان مزیّن باشی و به ما هو المحبوب عامل جمیع ذرّات مکبّر و ذاکرند نفوسی را که در اتّحاد و اتّفاق اهل عالم جهد مینمایند طوبی لهم و لهم حسن مآب انتهی

جناب عبدالصّمد علیه بهآء اللّه هذا ما انزله الفرد الأحد فی الجواب

بنام خداوند دانا

یا عبدالصّمد عریضه‌ات نزد مظلوم حاضر و لحاظ عنایت باو متوجّه الحمد للّه از کوثر عرفان آشامیدی و از رحیق ایقان قسمت بردی امریکه بعد از عرفان بسیار بزرگست استقامت بر امر اللّه بوده و خواهد بود انشآءاللّه از فضل و عنایت حقّ الی حین ارتقا دارای آن باشی بحر استقامت را لآلی بینهایت بوده و خواهد بود طوبی للفائزین طوبی للعاملین طوبی للعارفین لا تحزن من شیء توکّل فیکلّ الأمور علی اللّه الفرد الخبیر قل

 یا الهی و اله الجنود و مالک الغیب و الشّهود اسألک بالاسم الّذی به اخذت الزّلازل قبائل الأرض کلّها و انفطرت السّمآء و ناحت الأصنام بأن تؤیّدنی علی ما ینبغی لأیّامک ای ربّ انت الّذی سبقت رحمتک و احاط فضلک ترانی یا الهی قائماً لدی بابک و آملاً ما عندک من بدایع جودک و دعوتک و ادعوک باسمک المعطی الغفور الباذل المجیب

 البهآء علیک و علی ضلعک الّتی اقبلت و فازت و نادت ربّها العزیز المنیع کبّرها من قبلی و بشّرها بذکری و عنایتی انّ ربّک لهو الرّحمن الرّحیم انتهی

 یا سمندر ان استمع ندآء مالک القدر انّه یذکرک فی منظره الأکبر فی هذا السّجن الّذی بدّله اللّه بالقصر الأطهر رغماً للّذین حبسوه و انکروه انّ ربّک لهو المقتدر القدیر انّ الّذی امر بسجنی یصیح و ینوح فی العذاب و ربّک الوهّاب فی هذا المقام الکریم ان احمد اللّه بما انزل لک و للّذین ذکرت اسمائهم و ارسلت عرائضهم ما انجذبت به افئدة العباد انّ ربّک لهو المبیّن الخبیر انّا نقرأ الآیات و یکتبها العبد الحاضر لدی العرش بسرعة عجز عنها دونه انّ ربّک لهو المؤیّد العزیز الجمیل کبّر من قبلی علی وجوه احبّائی الّذین نبذوا ما سوائی و طاروا فی هوائی و نطقوا بثنائی بین عبادی و بشّرهم بعنایتی و فضلی و رحمتی و کرمی الّذی احاط العالمین انتهی

جناب محمّد حسین قوله عزّ سلطانه

بنام دوست

یا حسین عریضه‌ات تلقاء وجه حاضر و مشاهده شد انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال بعنایت محبوب عالمیان فائز باشی و بشطرش ناظر نیکوست حال نفسیکه باو اقبال نمود و محبوبست لسانیکه بذکرش ناطق گشت و قلمیکه بتحریر آثارش مؤیّد شد و قلبیکه بنور معرفتش منیر گشت قل

 یا الهی و مقصودی و سلطانی و مالکی اسألک بأن تؤیّدنی علی حبّک و رضائک علی شأن لا اتحرّک الّا باذنک و لا اتکلّم الّا بما انزلته فی کتابک من قلم امرک ای ربّ انا المسکین قد توجّهت الی باب فضلک اسألک ان لا تحرمنی من جودک و کرمک انّک انت العزیز الوهّاب

 یا محمّد قبل صادق ان استمع ندائی من شطر عرشی العظیم انّه یذکرک و یذکر الّذین اقبلوا الیه بیقین مبین باید جمیع دوستان الیوم باستقامت ناظر باشند و باو متمسّک چه که مظاهر نفی بسیارند و در کلّ حین در کمین اکثری از اهل ارض یلعبون کلعب الأطفال کذلک یذکر الخبیر انّه لهو السّمیع البصیر در جمیع احیان بذکر رحمن مشغول باشید و بحبل حبّش متمسّک

 یا عبداللّه ندایت باستماع مقصود عالمیان فائز شد و آنچه عرض نمودی عبد حاضر لدی الوجه معروض داشت انشآءاللّه جمیع دوستان فائز شوند بر عمل بما انزله الوهّاب فی کتابه المبین سنهٴ قبل لوح انقطاع و کتاب صدق و لوح میزان و لوح امانت از سماء مشیّت نازل طوبی از برای نفوسیکه مشاهده نمودند و بعمل بآن فائز گشتند باید هر یک از دوستان که از رحیق محبّت رحمن آشامیده‌اند همیشه بعملیکه سبب اتّحاد و مودّت اهل ارض شود مشغول گردد ان اتّحدوا یا عبادی فی امری ثمّ اشربوا کوثر بیانی من بحر فضلی کذلک امرکم اللّه من قبل و من بعد انّه لهو العزیز الحکیم انتهی

 اینکه در بارهٴ جناب حاجی بابا مرقوم داشته بودید تلقاء عرش عرض شد فرمودند انشآءاللّه بعنایت الهی به ما امر به فی الکتاب عامل شوند یا سمندر قل ستفنی الدّنیا و ما فیها من الزّخارف و الآلآء و الملوک و المملوک و الصّعلوک و یبقی ما قدّر لأصفیآء اللّه و احبّائه کذلک ینطق لسان العظمة نعیماً للسّامعین متوکّلاً علی اللّه مشغول باشند انّه یقدّر لمن یشآء خیر الدّنیا و الآخرة انّه لهو المقتدر القدیر اگر نفوس از عالم باقی مطّلع و آگاه شوند البتّه در این دو یوم یا دو ساعت یا دو دقیقهٴ دنیا محزون نشوند ینبغی لکلّنفس ان یقول فیهذه الأیّام

 یا اله الأنام اشهد بلسان ظاهری و باطنی بأنّ ما عندک خیر لی عمّا یُشهد و یُری فیملکوت الانشآء

 از لسان حقّ باو تکبیر برسان و بگو دلتنگ مباش ان اعمل بما امرت و کن من الشّاکرین انتهی

 و امّا مکتوب جناب آقا ملّا ابراهیم باین خادم فانی رسید لو شآء اللّه و اراد جواب آن ارسال میشود

 و اینکه در بارهٴ جناب آقا حسن خ‌ا مرقوم داشتید در منظر اکبر عرض شد فرمودند یا حسن ان اشکر اللّه بما فزت بذکره من قبل و فیهذا الحین الّذی اشرقت شمس البیان من افق هذا القصر الرّفیع جمیع عالم رحلت نموده و خواهند نمود چه که حقّ جلّت عظمته دنیا را بمثابهٴ صراط قرار فرموده تا کل از او عبور نمایند و بمقصود فائز گردند یعنی در مقام محمود ساکن شوند دنیا دار قرار نبوده و نخواهد بود از حقّ جلّ جلاله بخواهید دوستان را مؤیّد فرماید تا در حین ارتقا با قلوب مقدّسهٴ منزّهه صعود نمایند هر نفسی باینمقام فائز شد صعودش مایهٴ فرح بوده و خواهد بود ولکن این بحر قسمت مقرّبین و مخلصین است یا حسن لا تحزن فی اخیک انّه فاز بطراز الغفران و استقرّ فی جوار رحمة ربّک الکریم و الحمد للّه ربّ العالمین انتهی

 در دستخطّ دیگر آنجناب پاکتی از حضرت اسم اللّه ج‌م علیه منکلّ بهآء ابهاه ارسال داشته بودید رسید از جهات دیگر هم دستخطّ ایشان رسیده ولکن این خادم فانی از کثرت اشتغال و موانع دیگر هنوز موفّق بر عرض جواب نشده‌ام انشآءاللّه امید چنانست که در این ایّام موفّق شده جسارت نمایم و بعرض جواب پردازم یا حبیب فؤادی ملاحظه فرمائید از جمیع جهات مکتوب میرسد و جواب این بنده هم که عرض میشود مفصّل است چنانچه بعضی عرایض از یک جزو میگذرد لذا اگر اینعبد بخواهد مکتوب هر یک از احبّا را در هر کرّه جواب عرض نماید البتّه این عمرها کفایت نکند و از اینمراتب گذشته تحریر آیات که این عبد لیلاً و نهاراً بآن مشغولست سبحان الّذی ایّدنی علی هذا الأمر الخطیر و سبحان الّذی وفّقنی علی ما لم یخطر ببالی ان اقدر ان اقوم به سبحانه عمّا اصف و یصفون و سبحانه عمّا اذکر و یذکرون و سبحانه عمّا تکلّم به السن العالم

 اینکه مرقوم فرموده بودید که بعد از خبر رفتن مذکورین به یافا جناب جود علیه بهآء اللّه باینکلمه ناطق بوده‌اند که با وجود حبّ زیاده از حدّ که نسبت باو داشتم الی آخر قوله و آنمحبوب در آخر مرقوم داشته بودند که الحقّ و الانصاف نهایت استقامت و مراقبت در امر علی قدر الاستطاعة و القوّة منظور داشته و میدارند و مطلقاً ناظر باینگونه امور نبوده و نیستند الی آخر بیانکم یا محبوبی قد صدقت فیما نطقت فی ذکر من قام علی خدمة اللّه و ذکره فی سنین متوالیات و انزل له من القلم الأعلی ما استفرحت به الأفئدة و قرّت به الأبصار لعمر اللّه قد اشتعلت فی قلبه نار و انّها احرقت ما سوی اللّه ربّنا المقتدر العلیم الخبیر یا حبیب فؤادی ناریکه بمحبّة اللّه مشتعل شده ذکر غیر دوست را سوخته و خواهد سوخت طوبی له ثمّ طوبی له این تفصیل عرض شد فرمودند قد عمل بما ینبغی له فی ایّام ربّه الظّاهر النّاطق العلیم انتهی و فرمودند امروز نسبة اللّه محقّق است طوبی لنفس تمسّکت بها انّها من اعلی الخلق فی کتاب مبین حسب الأمر جناب اسم جود علیه بهآء اللّه الأبهی مکتوب ایشانرا فرستاد به یافا ذکر دون خیر تا حال در اینفقره از سماء مشیّت نازل نشده و اظهار عنایت فرموده و میفرمایند

 اینکه ذکر جناب آقا سیّد (ج) و جناب عندلیب علیهما بهآء اللّه و سایر دوستانرا فرموده بودید جواب عرایض ایشان نازل و ارسال میشود انشآءاللّه بحبل تبلیغ متمسّک باشند ولکن بالحکمة الّتی حکم بها الحکیم فی الکتاب اسأل ربّنا الرّحمن بأن یوفّقهما و یؤیّدهما علی ذکر به تتوجّه الوجوه الی العزیز المحبوب

 در این حین این خادم فانی بساحت اقدس فائز و اینکلمات مشرقات از افق سماء بیان ظاهر یا سمندر قد فزت بذکر اللّه بعد عرفانه و شربت کوثر الحیوان من ایادی فضل ربّک الرّحمن انت الّذی حضرت لدی الوجه و قمت لدی الباب و تشرّفت بما هو المسطور فی کتب اللّه ربّ العالمین انّا نذکر الّذین آمنوا فیهناک و نبشّرهم بما قدّر لهم فی ملکوت ربّهم العزیز الکریم و نوصیهم بتقوی اللّه لأنّ به یرتفع امره العزیز البدیع قل تمسّکوا بما یرتفع به امری و یظهر سلطانی بین عبادی کذلک یأمرکم من عنده لوح حفیظ انّ الّذین اعرضوا الیوم اولئک فی غفلة و اولئک فی خسران و اولئک فی نفاق و اولئک فی بعد و اولئک فی ریب مبین قد تحیّر العالم بما ارتکب الأمم الّذین نبذوا صراطی و اخذوا سبل الشّیاطین

 ان یا قلمی الأعلی ان اذکر مرّةً اخری من سمّی بمحمّد قبل علی الّذی فاز بذکری و ثنائی و التّوجّه الی وجهی و تحریر ما نزّل من سمائی لیفرح بفضل ربّه الکریم انّه توجّه الی الأفق الأسنی و فاز بالمنظر الأبهی المقام الّذی یطوفه الملأ الأعلی و الملائکة المقرّبین کذلک ماج بحر عنایتی و هاج عرف رحمتی ولکنّ القوم اکثرهم من الغافلین

 یا سمندر انّا نحبّ ان نذکر احبّائی فی الألف و الشّین لیشکروا اللّه ربّ ما یری و ما لا یری و ربّ العرش العظیم یا احبّائی فیهناک تاللّه الحقّ توجّه الیکم وجه القدم من هذا المقام العزیز المنیع الّذی سمّی بکلّ الأسمآء فی کتاب اللّه العزیز الحمید تمسّکوا بما ینفعهم فی الآخرة و الأولی کذلک یعظکم ربّکم النّاصح الأمین ایّاکم ان تمنعکم شئونات الأرض عن فاطر السّمآء الّذی اتی بسلطان عظیم هذا یوم فیه انفطرت السّمآء و انشقّت الأرض و انصعق من فی ملکوت الأمر و الخلق الّا من انقذته ید قدرة اللّه العلیم الحکیم یا احبّائی طوبی لکم بما توجّهتم الی افقی الأعلی و نبذتم دونی و اخذتم ما نزّل من ملکوتی العزیز الرّفیع ان اعرفوا قدر تلک الأیّام ثمّ اعملوا بما امرتم به فی کتاب اللّه لعمری انّه ینفعکم فی کلّ عالم من عوالم ربّکم المقتدر القدیر انشآءاللّه بکمال روح و ریحان بافق رحمن ناظر باشید قسم بآفتاب آسمان بیان که هر نفسی توجّه نمود از کدورات عالم خود را فارغ و مقدّس مشاهده کرد باید در کلّ احوال به ما یرتفع به امر اللّه ناظر باشید و اعمال الیوم باید بشأنی ظاهر شود که هر نفسی عرف تقدیس و تنزیه از او استشمام نماید باید بتمام جدّ و اجتهاد در آنچه از قلم اعلی جاری شده تفکّر نمائید و عامل شوید انّه ارشدکم سوآء الصّراط و اظهر لکم ما وعدتم به فی الکتاب طوبی لکم و لمن استشهد فی سبیلی فی سجن الطّآء نشهد انّه کان معی و طاف حول عرشی فی العشیّ و الاشراق انّا نکبّر علیه و علیکم و علی ابنه و علی الّذین فازوا بعرفان اللّه فی المآب

 ان یا قلمی ان اذکر احبّائی فی الکاف و اللّام (کله‌دره) لیحمدوا اللّه مالک الرّقاب ان اشکروا اللّه بما ایّدکم علی التّوجّه الی هذا البحر الّذی یسمع من امواجه انّه لا اله الّا انا العزیز المنّان قد خلقت الخلق لعرفانی منهم من اعرض و منهم من اقبل و الّذی اقبل انّه من اهل الفردوس فی الزّبر و الألواح ان افرحوا فی ایّامی و تمسّکوا بما یظهر منه لآلئ الانقطاع بین ملإ الأدیان تفکّروا فی رحمة اللّه و فضله انّه یذکرکم من هذا المقام و یکبّر علی وجوهکم فضلاً من عنده انّه لهو العزیز الوهّاب آفتاب ظهور مشرق و بحر بیان در امواج نیکوست حال نفسیکه خود را محروم نساخت و بفیوضات نامتناهیهٴ الهیّه در این ربیع بدیع فائز گشت ای دوستان لسان رحمن میفرماید فرصت را از دست مدهید و وقت را غنیمت شمرید کذلک یأمرکم مالک یوم الحساب

 جناب حاجی آقا بابا بعنایت الهی فائز باشند و بذکر دوست مشغول و بما ینبغی عامل البهآء علیه و علیهم و علی امآء اللّه فیهناک و علی من سمع و اجاب ربّه النّاطق العلیم

 یا سمندر انّا وجدنا عرف ذکر الجواد الّذی فاز بتبلیغ امر ربّک المقتدر القدیر علیه تکبیری و نفحاتی و عرفی الّذی تضوّع فی العالم من قمیصی المنیر انّا ذکرناه و نذکره فضلاً من عندنا انّ ربّک لهو الفضّال الکریم قد فاز ذکره و ثنائه بالاصغآء فی هذا المقام الّذی سمّی بالأفق الأعلی فی کتاب الأسمآء و بالغایة القصوی فی الجزیرة الخضرآء و بسمآء هذه السّمآء من قلم الأبهی و بالسّجن الأعظم فیملکوت الانشآء انّ ربّه الرّحمن لهو العلیم الخبیر لعمری لا یعزب عن علمه من شیء یسمع و یری و هو السّمیع البصیر ولو اخذته الشّدائد و الأحزان فی الأرض سوف یظهر اللّه ما اراد انّه لهو العلیم الحکیم انّ بهائی علیه و علی الّذین یسمعون قوله فی امر اللّه الملک الحقّ المبین

 انّا نذکر العندلیب الّذی قام علی ذکری و نطق بثنائی بین عبادی نشهد انّه فاز بعرفان الرّحمن فی هذا الیوم الّذی فیه اسودّت الوجوه و زلّت الأقدام یا ایّها المذکور لدی الوجه قد اشتعلت الأشیآء من تغرّدات حمامة الأمر فی ملکوت الانشآء ولکنّ القوم فی غفلة و حجاب قد اسکرهم خمر الهوی علی شأن منعوا عن مالک الأسمآء الّذی وعدوا به فی کلّ کتب و صحف و زبر و فی کلّ لوح من الألواح قد اخذوا ما یرون فنائه و نبذوا ما یبقی لهم فی ملکوت ربّهم العزیز الوهّاب یا عندلیب غنّ باسمی علی افنان سدرات العالم لعلّ تنجذب به الأمم الّذین اعرضوا عن البحر الأعظم و اقبلوا الی کلّ همج رعاع قد نطق لسان القدم بما صاحت به الصّخرة و ذابت به الجبال ولکنّ القوم فی وهم عجاب یرون برهان اللّه و ینکرونه کذلک یقصّ لک من عنده امّ الکتاب دع ذکر الّذین اعرضوا ثمّ اذکر من قبلی عبادی الّذین سرعوا الی بحر عنایتی و توجّهوا الی ملکوت فضلی و شربوا رحیق الاستقامة من ایادی الطافی و سمعوا منک ذکری و آیاتی لیفرحوا فی ایّامی انّ ربّک لهو المعطی العزیز العلّام انتهی

 عرض میشود چندی قبل مخصوص جناب عندلیب و جناب آقا سیّد ج‌و علیهما بهآء اللّه الواح بدیعهٴ منیعه از سماء مشیّت الهی نازل و همچنین جواب عرایض آنجهات و الواح دیگر ولکن تا حال نظر بحکمت ارسال نشد از بعد الأمر بیده یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید لا اله الّا هو العزیز الحمید

 و مخصوص ذکر جناب ن‌ص و دو ابن ایشان علیهم بهآء اللّه از لسان مبارک جاری انشآءاللّه لم‌یزل و لایزال جمیع دوستان بذکر محبوب عالمیان فائز باشند قسم بجمال دوست که معادله نمینماید بذکرش جبروت امر و خلق و ملکوت سموات و ارض سوف یظهر اللّه ما کان مستوراً فیهذا الیوم و یریهم فضله و سلطانه و قدرته و اقتداره و مقام احبّائه انّه لهو المهیمن علی الأشیآء لا اله الّا هو الفرد العزیز العلیم ولو انّ ذکر بهائی لا یلیق بکم ولکن اقتدی بمولای و مولی العالم و الهی و اله الأمم و اقول البهآء و الذّکر و الثّنآء علیکما و علی حضرة الجواد الّذی فاز بما منع عنه اکثر العباد و علی الّذین فازوا بعرفان اللّه مالک الایجاد

 عرض مخصوص آنکه حضرت غصن اللّه الأعظم و حضرت غصن اللّه الأکبر روحی و کینونتی لتراب قدوم اطهرهما الفدآء بآنمحبوب و جناب اخوی و جناب جواد ابلاغ ذکر بدیع و تکبیر منیع فرمودند و همچنین طائفین جمیع خدمت آنمحبوبان عرض خلوص و تکبیر و بها میرسانند

 جواب جناب مخدوم مکرّم آقا میرزا محمّد ت‌ق علیه بهآء اللّه نوشته شده و در پوستهٴ بعد ارسال میشود

خ‌ادم

فی ١١ ربیع‌الثّانی سنة ١٢٩٧

یک لوح امنع اقدس مخصوص جناب آقا محمّد جواد علیه بهآء اللّه از سماء فضل نازل و ارسال شد و همچنین این بنده مکتوبی در جواب جناب ملّا عبدالرّزّاق علیه بهآء اللّه نوشته ارسال داشت آنمحبوب برسانند

 در بارهٴ عید اعظم آنچه آنمحبوب نوشته‌اند صحیحست لا ریب فیه یوم نوروز اوّل سی و دو ٣٢ محسوب است و عصر یوم سی و دویم ابتدای عید است که جمال قدم جلّ اجلاله وارد رضوان شدند و اینکه عصر یوم اوّل و یوم بعد یک یوم حساب شده این نظر بآنست که اشتغال در آن جایز نه و فیه حکمة اخری ولکن بحساب دوازده یوم دو یوم حساب میشود

 و امّا در بارهٴ حقوق اللّه نصاب آن عدد واحد است یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شد و یا اشیائیکه باین قیمت برسد بعد از وضع مئونهٴ سنه حقوق بر آن تعلّق میگیرد و ادای آن واجب

 و اما مقصود از حکمت مدارای با ناسست اهل بها بمنزلهٴ حکما هستند باید باقتضا عمل نمایند لذا اگر نفسی حکم صوم که از اعظم احکام الهی است در کتاب او را الیوم نزد نفوس ضعیفه اظهار نماید از حکمت خارجست در جمیع امور باین قسم باید رفتار شود آنچه از احکام الهی که عمل بآن الیوم سبب ضوضا و غوغا نشود عمل بآن واجب اظهار اموریکه سبب وحشت ناس شود البتّه نزد عاقل جایز نیست چه ضرور شخص صائم صوم خود را اظهار نماید

 جناب آقا سیّد جواد علیه بهآء اللّه که از قبل ساکن ارض طفّ بودند از ارض خاء بعضی سؤالات نمودند و بتفصیل جواب آن ارسال شد از جمله این بود که در کتاب اقدس حلق رأس نهی شده و حال در این اراضی بعضی از اصحاب باین حکم عمل نمودند و جمیع باین سبب معروف شده‌اند آیا این عمل مطابق حکمت است یا مخالف آن از مصدر امر اینکلمهٴ مبارکه صادر که آنچه سبب ضوضای عباد است عمل بآن الیوم جایز نه الی ان یظهر الأمر انتهی

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ٣١ مارس ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۵ بعد از ظهر